

موضوع 2

پادشاهی خدا

متی ۱۳

حکایت کشاورز

۱ در همان روز، عیسی از خانه خارج شد و به کنار دریا رفت و ۲ و ۳ چیزی نگذشت که عده زیادی دور او جمع شدند. او نیز سوار قایق شد و در حالیکه همه در ساحل ایستاده بودند، به تعلیم ایشان پرداخت. در حین تعلیم، حکایت‌های بسیاری برای ایشان تعریف کرد، که یکی از آنها این چنین بود: «کشاورزی در مزرعه‌اش تخم می‌کاشت. ۴ همین طور که تخمها را به اطراف می‌پاشید، بعضی در گذرگاه کشتزار افتاد. پرنده‌ها آمدند و آنها را خوردند. ۵ بعضی روی خاکی افتاد که زیرش سنگ بود. تخمها روی آن خاک کم عمق، خیلی زود سبز شدند. ۶ ولی وقتی خورشید سوزان بر آنها تابید، همه سوختند و از بین رفتند، چون ریشه عمیقی نداشتند. ۷ بعضی از تخمها لابلای خارها افتاد. خارها و تخمها با هم رشد کردند و ساقه‌های جوان گیاه زیر فشار خارها خفه شد. ۸ ولی مقداری از این تخمها روی خاک خوب افتاد، و از هر تخم، سی و شصت و حتی صد تخم دیگر بدست آمد. ۹ اگر گوش شنوا دارید، خوب گوش دهید!» ۱۰ در این موقع شاگردان، نزد او آمدند و از او پرسیدند: «چرا همیشه حکایت‌هایی تعریف می‌کنید که درکشان مشکل است؟» ۱۱ عیسی به ایشان فرمود: «قدرت درک اسرار ملکوت خدا فقط به شما عطا شده، و به دیگران چنین درکی بخشیده نشده است.» ۱۲ و ۱۳ سپس به ایشان گفت: «به کسی که دارد، باز هم داده می‌شود، تا آنچه دارد زیاد شود. ولی از کسی که چیزی ندارد، آن مقدار کمی هم که دارد گرفته می‌شود. به همین دلیل است که من این حکایت‌ها را می‌گویم تا مردم بشنوند و ببینند ولی نفهمند. ۱۴ در کتاب اشعای نبی درباره این مردم پیشگویی شده که: ایشان می‌شنوند ولی نمی‌فهمند، نگاه می‌کنند ولی نمی‌بینند. ۱۵ زیرا فکر ایشان از کار افتاده، گوشه‌ایشان سنگین شده، و چشمانشان بسته شده است. و گرنه می‌دیدند و می‌شنیدند و می‌فهمیدند، و بسوی خدا باز می‌گشتند تا خدا آنان را شفا بخشد. ۱۶ اما خوشبختانه شما که چشمانتان می‌بینند و گوشه‌ایتان می‌شنوند. ۱۷ بسیاری از پیغمبران و مردان خدا آرزو داشتند چیزی را که شما می‌بینید، ببینند، و آنچه را که می‌شنوید، بشنوند، ولی نتوانستند. ۱۸ اکنون معنی حکایت کشاورز را برای شما بیان می‌کنم: ۱۹ گذرگاه کشتزار که تخمها بر آن افتاد، دل سخت کسی را نشان می‌دهد که گرچه مرده ملکوت خداوند را می‌شنود، ولی آن را درک نمی‌کند. در همان حال، شیطان سر می‌رسد و تخمها را از قلب او می‌رباید. ۲۰ خاکی که زیرش سنگ بود، دل کسی را نشان می‌دهد که تا پیغام خدا را می‌شنود فوراً با شادی آن را قبول می‌کند، ۲۱ ولی چون آن را عمیقاً درک نکرده است، در دل او ریشه‌ای نمی‌دواند و به محض اینکه آزار و اذیتی بخاطر ایمانش می‌بیند، شور و حرارت خود را از دست می‌دهد و از ایمان بر می‌گردد. ۲۲ زمینی که از خارها پوشیده شده بود، حالت کسی را نشان می‌دهد که پیغام

را می‌شنود ولی نگرانی‌های زندگی و عشق به پول، کلام خدا را در او خفه می‌کنند، و او نمی‌تواند خدمت مؤثری برای خدا انجام دهد. ۲۳ و اما زمین خوب قلب کسی را نشان می‌دهد که به پیغام خدا گوش می‌دهد و آن را می‌فهمد و به دیگران نیز می‌رساند و سی، شصت و حتی صد نفر به آن ایمان می‌آورند.»

• با نگاه به این مثال می‌توانیم از قلب خود پرسیم: «کدام یک از این زمین‌ها، زمین دل من هست؟»

۲۴ عیسی مثل دیگری به این شرح برای ایشان آورد: آنچه در ملکوت خداوند روی می‌دهد، مانند ماجرای آن شخصی است که در مزرعه خود تخم خوب کاشته بود. ۲۵ یک شب وقتی او خوابیده بود، دشمن او آمد و لابلائی تخم گندم، علف هرز کاشت و رفت. ۲۶ وقتی گندم رشد کرد و خوشه داد، علف هرز هم با آن بالا آمد. ۲۷ کارگران او آمدند و به او خبر دادند که: آقا، این مزرعه که شما تخم خوب در آن کاشتید، پر از علف هرز شده است. ۲۸ او جواب داد: این کار دشمن است. گفتند: می‌خواهید برویم علف‌های هرز را از خاک بیرون بکشیم؟ ۲۹ جواب داد: نه! این کار را نکنید. ممکن است هنگام درآوردن آنها، گندم‌ها نیز از ریشه در بیایند. ۳۰ بگذارید تا وقت درو، هر دو با هم رشد کنند، آنگاه به دروگرها خواهیم گفت علف هرز را دسته کنند و بسوزانند و گندم را در انبار ذخیره نمایند.»

• با به نگاه به گندم و علف‌های زمین‌های زندگی خود که نماینده‌ی چیزی است که به عنوان انسان بودیمیتوانیم از خود سؤال پرسیم: "جکا خواهیم بود در پایان زمانی که برداشت جمع‌آوری خواهد شد؟"

۳۱ و ۳۲ عیسی باز مثل دیگری برای ایشان آورد: «ملکوت خدا مانند دانه ریز خردل است که در مزرعه‌ای کاشته شده باشد. دانه خردل کوچکترین دانه‌هاست؛ با وجود این، وقتی رشد می‌کند از تمام بوته‌های دیگر بزرگتر شده، به اندازه یک درخت می‌شود، بطوری که پرنده‌ها می‌آیند و در لابلائی شاخه‌هایش لانه می‌کنند.» ۳۳ این مثل را نیز گفت: «می‌توان آنچه را که در ملکوت خداوند روی می‌دهد، به زنی تشبیه کرد که نان می‌پزد. او یک پیمانه آرد بر می‌دارد و با خمیرمایه مخلوط می‌کند تا خمیر ور بیاید.» ۳۴ و ۳۵ عیسی برای بیان مقصود خود همیشه از این نوع امثال و حکایات استفاده می‌کرد؛ و این چیزی بود که انبیاء نیز پیشگویی کرده بودند. پس هرگاه برای مردم سخن می‌گفت، مثلی نیز می‌آورد. زیرا در کتاب آسمانی پیشگویی شده بود که «من با مثل و حکایت سخن خواهم گفت و اسراری را بیان خواهم نمود که از زمان آفرینش دنیا تا حال پوشیده مانده است.» ۳۶ پس از آن، عیسی از نزد جماعت به خانه رفت. آنگاه شاگردانش از او تقاضا کردند که معنی حکایت گندم و علف هرز را برای ایشان بیان کند. ۳۷ عیسی فرمود: «بسیار خوب. من همان کسی هستم که تخم خوب در مزرعه می‌کارد. ۳۸ مزرعه نیز این دنیا است و تخم‌های خوب آنانی هستند که پیرو ملکوت خداوند می‌باشند، و علف‌های هرز پیروان شیطانند. ۳۹ دشمنی که علف‌های هرز را لابلائی گندم‌ها کاشت، شیطان است. فصل درو، آخر زمان است، و دروگرها، فرشتگان می‌باشند. ۴۰ همانطور که در این حکایت، علف‌های هرز را دسته کردند و سوزاندند، در آخر زمان نیز همینطور خواهد شد. ۴۱ من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا هر چیزی را که باعث لغزش می‌شود و هر انسان بدکاری را از ملکوت خداوند جدا کنند، ۴۲ و آنها را در کوره آتش بریزند و

بسوزانند، جایی که گریه و فشار دندان بر دندان است. ۴۳ در آن زمان، انسان های نیک در ملکوت پدرم خدا، همچون خورشی خواهند درخشید. اگر گوش شنوا دارید، خوب گوش دهید.»

چند حکایت دیگر درباره ملکوت خداوند

۴۴ « ملکوت آسمان مانند گنجی است که مردی در یک مزرعه پیدا کرد و دوباره آن را زیر خاک پنهان نمود و از ذوق آن، رفت و هر چه داشت فروخت تا پول کافی بدست آورد و آن مزرعه را بخرد و صاحب آن گنج شود.» ۴۵ ملکوت آسمان را می توان به گونه ای دیگر نیز توصیف کرد. یک تاجر مروارید، در جستجوی مرواریدهای مرغوب بود. ۴۶ سرانجام وقتی به مروارید با ارزشی دست یافت، رفت و هر چه داشت فروخت تا آن را بخرد.» ۴۷ و ۴۸ «باز می توان ملکوت آسمان را اینچنین توصیف کرد. ماهیگیران تور ماهیگیری را داخل آب می اندازند و انواع گوناگون ماهی در تورشان جمع می شود. سپس آن را به ساحل می کشند و ماهیهای خوب را از بد جدا می کنند و خوبها را در ظرف می ریزند و بدها را دور می اندازند. ۴۹ در آخر دنیا نیز همینطور خواهد شد. فرشتگان آمده، انسان های خوب را از بد جدا خواهند کرد؛ ۵۰ انسان های بد را داخل آتش خواهند افکند که در آنجا گریه خواهد بود و فشار دندان ها بر هم. ۵۱ درک می کنید چه می گویم؟» شاگردانش جواب دادند: «بلی.» ۵۲ «آنگاه عیسی ادامه داد: «کسانی که در شریعت موسی استادند و حال شاگرد من شده اند، از دو گنج کهنه و نو برخوردارند. گنج کهنه، تورات است و گنج نو، انجیل.»

سوالات:

- از خودمان میتوانیم پرسیم که "موقع درو محصول من کجا خواهم بود؟"
- از خودمان میتوانیم پرسیم "دل من شبیه کدام یکی از این زمینها است؟"
- در مورد پادشاهی خدا چه مکاشفه ای دریافت کرده ای؟
- پادشاهی خدا چه ویژگی هایی دارد؟
- آیا با اصلی مواجه شدید که دوست داشته باشید آن را اجرا کنید؟